

حاضرِ غایب

بتی - گرهارد ریشتر

بتی، در نگاه اول پرتره‌ای ساده به نظر می‌رسد: زنی نشسته، پشت به بیننده، موهای کوتاه و روشن، و پشتی خمیده که همانند دریچه‌ای به جهان دیگری است. اما هر چه نزدیک‌تر می‌شویم، نقاشی ریشتر از ما چیزی می‌طلبد که در پرتره‌های معمول پیدا نمی‌کنیم: مکث و تأمل درباره‌ی غیاب و حضور همزمان سوژه

ریشتر در این اثر، صورت بتی را رو به ما نشان نمیدهد. ما چیزی نمی‌بینیم. جز پشت سر او، اما همین «نبود» چهره، حضور غایب را پررنگ‌تر می‌کند. این تکنیک، ما را وادار می‌کند تا حضور انسانی را نه در شکل، بلکه در فضا و سایه‌های پیرامون احساس کنیم. رنگ‌ها سرد و خاکستری، مرز بین جسم و پس‌زمینه را محو کرده‌اند؛ بدن بتی به بخشی از فضا بدل شده، و بیننده را در لحظه‌ای از سکوت و بلاتکلیفی فرو می‌برد

Richard



بتی، پرت‌ر‌هی فرد نیست؛ پرت‌ر‌هی حس گ‌م‌ش‌ده‌ی زمان و خ‌اط‌ره است. ر‌یش‌تر با م‌حو کردن جزئیات، هم‌زمان ف‌اصل‌ه‌ای میان ما و سوژه ا‌ی‌جاد کرده و این ف‌اصل‌ه، همان عامل‌ی است که نق‌اش‌ی را ش‌اع‌ر‌انه و تأمل‌برانگ‌یز می‌ک‌ند. این اثر ما را با سو‌الی روب‌ه‌رو می‌ک‌ند: چ‌گونه می‌ت‌وان ان‌سان را باز‌شناخت وقتی تنها سای‌ه‌ای از او باقی مانده است؟

ر‌یش‌تر، با ماده و رنگ بازی نمی‌ک‌ند تا روایت تاریخی بسازد، بلکه اح‌ساس ان‌سانی را در یک لحظه‌ی موق‌تی و شک‌ن‌نده ثبت می‌ک‌ند. بتی، با پشت خم‌یده و نگ‌اه نام‌رئی، ما را به تنه‌ایی و مراق‌به دعوت می‌نم‌اید. سکوت‌ی که در اط‌راف او ج‌ریان دارد، نه فقط سکوت ف‌یزیکی، بلکه سکوت‌ی است که تمام خ‌اط‌رات و لح‌ظات فراموش‌ش‌ده را در خود نگ‌ه داشته است

در پای‌ان، پرت‌ر‌هی بتی یادآور این ن‌ک‌ته است که غ‌ی‌اب، گ‌اهی ح‌ضور را عم‌یق‌تر می‌ک‌ند. نق‌اش‌ی، ما را واد‌ار به مش‌اهده و درک می‌ک‌ند، بدون ا‌ی‌ن‌که چ‌یزی را به زور به ما تح‌میل ک‌ند. این اثر، تجربه‌ای است از سکوت‌ی که با هر نگ‌اه تازه، مع‌نای تازه‌ای پیدا می‌ک‌ند؛ همان لحظه‌ای که م‌خ‌اط‌ب و نق‌اش‌ی با هم در یک ف‌ضا مش‌ترک قرار می‌گیرند

گردآوری و نگارش : سارا جباری